

گرامی باد شانزدهم آذر، روز دانشجو

هممیهنان، دانشجویان،

بار دیگر، شانزدهم آذر، روز درخشش برق غیرت فرزندان این نیاخاک خدایی، که در بزنگاه‌های تاریخ پیوسته در برابر یورش قراولان تاریکی ایستاده‌اند، فرارسید.

کودتای بیست‌وهشتم مردادماه یکهزاروسیصدوسی‌ودو، که قدرت‌های سلطه‌گر بیگانه برای گستردن دوباره‌ی بساط چپاول در ایران به راه انداختند، خیلی زود با ایستادگی و کوشش همه‌ی گروه‌های اجتماعی مردم و به‌ویژه خشم و خروش دانشجویان، که نقش چشمگیری در جنبش ملی کردن صنعت نفت داشتند، روبه‌رو شد.

در بامداد شانزدهم آذر یکهزاروسیصدوسی‌ودو، نیروهای سرگوبگر، که به دستاویز برقراری آرامش سراسر دانشگاه را در آشغال داشتند، حتی درون کلاس‌های درس را به رگبار گلوله بستند و سه آرمان‌خواه جوان، مصطفی بزرگنیا، مهدی شریعت رضوی، و احمد قندچی، دانشجویان دانشکده‌ی فنی، را به خون غلطاندند. از آن پس، بزرگداشت شانزدهم آذرماه، که «روز دانشجو» نام گرفت، فرصتی شد درخور برای درهم‌شکستن جو اختناق و یابوری رساندن به پیکارهای رهایی‌بخش ملی و انجام این وظیفه‌ی بزرگ بی‌هیچ وقفه‌ای تا انقلاب بیست‌ودوم بهمن‌ماه یکهزاروسیصدوپنجاهوهفت دنباله یافت.

دریغا، که با درهم‌شکستن جدول ارزش‌های انقلاب، این کانون‌های نگه‌داشت فروزه‌های فرهنگی نخستین آماج تهاجم واپس‌گرایی گردیدند و در ورطه‌ی دهشت‌زایی فروافتادند و مدتی دراز از هر گونه کوشش بازداشته شدند. در این میان، دانشجویان، که نبض توفنده‌ی انقلاب و نماد والایندگی نسل جوان بودند، در چنبر دسیسه‌های جورواجور گرفتار آمدند و چندی از یادگیری و پژوهش بی‌بهره ماندند و تلاش گردید از صحنه‌ی سیاسی کشور هم دور باشند؛ اما دانشجویان آگاه نقش سرنوشت‌ساز خود را در زندگی ملی از یاد نبردند و، با بازگشایی دانشگاه‌ها، افزون بر پیش‌روندگی آموزشی، پیوسته در ستیز با روند یکه‌تازی برکرسی‌قدرت‌نشستگان، کارآوری بایسته را داشتند.

اکنون، روز پراج شانزدهم آذر درحالی فرامی‌رسد که، از یک سو، دانشگاه‌ها دچار پیامدهای شوم انحصارگری، همچون کمبود استادان شایسته، هستند و سطح آموزش و پژوهش افت آشکاری دارد و، از سوی دیگر هم، فرزندان جوان این سرزمین، اگر هم گذرگاه تنگ آزمون سراسری و سهمیه‌بخشی‌های باج‌گونه‌ی آن را پشت سر نهند، تازه با دشواری‌های بفرنجی چون شهریه‌های گزاف و هزینه‌تراشی‌های نسنجیده و نداشتن ابزار کار، خوابگاه و سالن غذاخوری و بی‌بهرگی از بیمه‌های اجتماعی و، افزون بر همه، تبعیض‌های ناروا روبه‌رو هستند.

گرچه از برآیند گزارش‌های رسیده از مرکزهای آموزش عالی در سراسر کشور چنین برمی‌آید که دانشجویان از چاره‌گری دست برداشته و با شورمندی خواست‌های برحق خود را طرح و، در پاره‌ای موارد، به گردهمایی و

اعتصاب و تحسن روی آورده‌اند و در همه جا برای شالودهریزی سازمان‌های صنفی خود به‌پاخاسته‌اند؛ ولی بی‌گمان، در حالی که ایران دیرینه‌سال به ورطه‌ی هولناکی فروافتاده، این مرز بسته، چشم‌داشت مردم را از نسل جوان برای پیشاهنگ بودن در پیکارهای رهایی‌بخش ملی برنمی‌آورد و خواسته‌های دانشجویان نمی‌بایست در چارچوب نهادهای صنفی سیاست‌گریز زندانی گردد.

اکنون، ریشه‌ای‌ترین دشواری در زندگی ملی نادیده انگاشتن مردم در صحنه‌ی اجتماع از سوی سردمداران جمهوری اسلامی است که از کمبود حزب‌های توانمند و نهادهای صنفی گراینده به سیاست در کنار یکدیگر سرچشمه می‌گیرد.

چنین است که، در برخورد هنگامی با شانزدهم آذر، حزب ملت ایران بار دیگر از همه‌ی دانشجویان بیدار دل می‌خواهد با پدید آوردن سازمان‌های صنفی، که گنجایش دربرگرفتن آرمان‌های انقلابی را داشته باشد، آماده‌ی سهم‌گیری در بازسازی ایران به‌ویزانی افتاده در سامانی مردم‌سالارانه باشند.

پیروز باد ملت، برقرار باد همبستگی دانشجویان ایران.

دبیرخانه‌ی حزب ملت ایران